

شعر معاصر ایران

راز کوحی شک

بررسی شک و العادیان و شعر سراب پیری

(من نمی خندم اگر فلسفه‌ای، ماه را نصف کند)

تألیف

محمد رضا صافیان

ویراسته‌ی باقر قربانی هویه

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه.....	۷
فصل اول: شخصیت و شعر سهراب سپهری.....	۱۱
سپهری شاعری اهل تفکر.....	۳۱
سهراب و مذاهب عرفانی.....	۵۸
فصل دوم: شک و شعر سهراب سپهری.....	۶۴
فصل سوم: عرفان و فلسفه در شعر سپهری.....	۲۴۰
منابع و مآخذ.....	۳۰۱

مقدمه

شک، در شعر سپهری وقتی با ذهنم درگیر شد که در حال نگارش تحلیلی بر شعر دکتر احمد پدram بودم و برای نوشتن آن تحلیل، دلیل های فراوانی داشتم و همه اش را در یک مجموعه گنجاندنم و امیدوارم که به زودی دفاتر دوم و سوم آن به زیور چاپ، آراسته گردد و انگیزه های آن دار که در اندیشه ی من به صورت سریع شکل گرفت عملی شود و دست کم از دید خودم، خدمتی به ادبیات معاصر ایران باشد، اما تشکیک یک امر کاملاً فلسفی است (از ابزارهای منطق / ست) و به دیدگاه شاعر و نحوی در شعر، بستگی تام دارد. شاعری که به جوانب مهمی از وجود انسان، نگاه نمیکند، شعری که اگر نقاش خوبی نباشد، بیننده ی بسیار خوبی هست و دیده های خود را با واژه پردازی و تصویر سازی پیاپی ابراز می دارد، چنین شاعران توان این را دارد که در امور مربوط به بشر حرف هایی بزند که با نگاهی تازه، نو، مشکلات و مسائل مهم انسان را دربرداشته باشد و در برابر چشم های باز «انسان» به اصل حقیقت، وجود، طبیعت، هستی، تفکر و اندیشه های مذهبی بپردازد و می دانیم که این واژه ها به ظاهر واژه هایی ساده اند و شاید هم در بعضی از موارد تکراری و نخ نما به حساب آیند، اما با اندکی تأمل و موشکافی، تراش واهیم یافت که همه ی فلاسفه - شعرا - اندیشمندان و هنرمندان بزرگ، تاریخ در پی حل پرسش هایی بوده اند که پیرامون همین موضوع های مهم و اساسی دور می زده و پاسخ شان میزان بزرگی آنها را تعیین نموده است.

در طبقه بندی شخصیت فلسفی سهراب موارد یادشده را باید بخش مهم و اساسی افکار او دانست، اما سهراب به بخش های ساده تر مبتلا به وجود

انسان طرح نیز پرداخته است، که گر چه این امور در ظاهر مسائلی ساده به نظر می‌آید ولی شعر سهراب آنها را بازسازی کرده و شیوهای تازه ارائه می‌دهد. این موارد عبارتند از: زندگی - تنهایی - عشق - اعتراض - اوضاع اجتماعی - اصل و نسب شاعر - احوال فردی شاعر - زمان، که هر یک در جای خود بسیار مهم و اساسی و مطرح‌اند و هر انسانی را در بر می‌گیرند، به ویژه نگاه شاعرانه‌ی سهراب به موضوعات گوناگون، هر یک را متحلی‌تر و آشکارتر ساخته و پیوند خاص آن را با زندگی هر فردی ختمی است که بر تأثیرگذارتر کرده است و سپس در شعر و شاعری قدری به انسان نزدیک‌تر می‌شود و به اموری می‌پردازد که انسان همواره با آن درگیر است، این امور عبارتند از: ترس - وهم - هیچ (پوچی) - عرفان - مرگ، که هر انسانی اعم از متفکر یا عامی با آن درگیر است و هر کدام از انسان را به رجعی آن را می‌بینند و مطرح می‌کنند که پاسخی به دردها، الام انسان‌ها و یا فلاکت‌ها و سردرگمی‌هایی آنان باشد. در فصل‌های مختلف این مجموعه راجع به شخصیت و شعر سهراب، ادراک در نظر این شاعر، تکرار و اندیشه‌های او و نگاهی که او به مذاهب بزرگ جهان (یهود - پیغمبر - زرتشت - مسیحیت و اسلام) دارد و حتا نگاه شکاکانه‌ی او به انسان (خود) و هر آنچه که انسان در برابر آن دچار سرگشتگی و سردرگمی و یا سؤال‌مندی و اسارت و بردگی خواهد شد و یا نه هر آنچه موجب سربلندی و امیدواری و رشد و کمال او باشد، در نگاه شاعر مطرح شده است و این که برخی سهراب را تحت تأثیر عرفان بودایی می‌دانند، چگونگی آن در این نوشتار با دلایل کافی اثبات شده است که هرگز عرفان سهراب بودایی نیست و نه تنها اشاره‌هایی عالمانه و زیبا نه تنها به بودا که به دیگر ادیان

بزرگ جهان دارد و تمامی مضامین عرفانی سهراب بر گرفته از عطار و خیام و مولوی و حافظ و سهروردی و ابن عربی و ملاصدرای شیرازی و دیگر همفکران آنها است و این مباحث که در قالب شعر آورده سهراب را در عالی‌ترین مقام فلسفی و عرفانی مطرح ساخته است او به نظر صاحب این قلم رابطه‌ی عمیق میان فلسفه و عرفان را دریافته و در قالب عقل بل جهان شمول خویش به شاعری پرداخت است. رابطه‌ی میان فلسفه زده در گذشته به استدلال صرف تعبیر می‌شد تا با دلایل عقلی به تعبیر جهان پرداز. در طی هزار سال است تلفیق عرفان و فلسفه که ادراک انسان از بریه ساهیم اشراقی مرا با استدلال‌های عقلی پیوند زده است، راه خود را عوض کرده به مفاهیم قلبی و الهامی انسانی نیز توجه کرده است و این‌گونه اشراقی و "هام‌ها راه جدیدی است که بشر توانسته است با آن به تفسیر جهان، حقیقت و نسبت میان آنها پردازد و سهراب از پس این امر مهم به خوبی و با بیاد شاعرانه و مضمون‌هایی تازه و گویا و رسا برآمده است که در این رساله خواهیم خواند. هدف من از این مطالعه ر سالت ادبیاتی ویژه‌ای است که به مرور کلی با فلسفه پیوند دارد، همان طور که بسیاری از شعران فارسی سرایید است هستند و حتی در علوم دیگر اما زبان آنها مد نظر نقادان و تحلیل‌گران است و در این نوشتار همان گونه که خواهید دید بیان اندیشه‌های سهراب به جلوه‌هایی دیگر از زبان اوست مد نظر است و من هرگز ادعای پرداختن به فلسفه را ندارم، برخود واجب می‌دانم راهنمایی‌های مشفقانه کلی دوست ارجمندم دکتر غلامحسین توکلی و اصلاحیه‌های دوست فرهیخته و اندیشمندم

دکتر برجیسیان و اصلاحات متن که به قلم برادر عزیز و شاعر گرانقدر
باقر قربانی هویه انجام گرفته را سپاس نهم.
در پایان بر خود لازم می‌دانم که از زحمات ویراستار محترم سرکار خانم
مریم افشار تشکر نمایم.

محمدرضا صافیان اصفهانی

www.ketab.ir